

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر: هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی منتیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشتریان: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ • شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳



امام علی (ع): سخن‌روز

هرکس که با کتاب‌ها آرامش یابد، راحتی و آسایش از او سلب نمی‌گردد.

غزوالحکم، ص ۲۳۳

مصطفی راغب خواننده پاپ در گفت‌وگو با «ایران»

وطن باشکوه‌ترین نت موسیقی است



عکس: علی محمدی ایران

گفت‌وگو

نداسجانی

گروه فرهنگی

در روزهایی که کشور درگیر جنگ تحمیلی رمضان بود، هنرمندان موسیقی با خلق آثار ملی و میهنی تلاش کردند صدای همدلی، امید و مقاومت مردم باشند؛ آثاری که فراتر از یک قطعه موسیقی، به بخشی از حافظه جمعی

در ایام جنگ رمضان، هنرمندان موسیقی از جمله شما آثار متعددی در گونه‌های ملی-میهنی تولید و منتشر کردند که با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد. از نگاه شما، برای اثرگذاری و ماندگاری بیشتر چنین آثاری در ذهن مخاطب، چه عناصر و مؤلفه‌هایی باید در فرآیند تولید آن مورد توجه قرار گیرد؟

در این مدت، با توجه به شرایط خاص کشور به خاطر جنگ تحمیلی، برقراری ارتباطات حرفه‌ای تا حد دشوار شده بود؛ به خصوص در مراحل مختلف تولید، از ضبط سازها گرفته تا هماهنگی با شاعران، تهیه‌کنندگان و آهنگسازان. با وجود این، روحیه وطن‌دوستی برای هر هنرمندی که دل در گرو سرزمین خود دارد، مسیر فعالیت را هموارتر می‌سازد.

در این بازه زمانی، دو اثر در آواز دشتی با عنوان «شوکت جاودان» و «دنا» تولید شد. قطعه «شوکت جاودان» با شعری از مهدی فدکی، از شاعران یزدی و با آهنگسازی اینجان‌ب، به میهن عزیزمان، ایران، تقدیم شده است. همچنین قطعه «دنا» با شعری از افشین مقدم و آهنگسازی بابک زرین تولید شد. در اجرای این اثر، تمامی سازها به صورت زنده نواخته و کار به شکل کاملاً آکوستیک ارائه شده است. در مجموع، تولید این آثار با مضامین میهنی، در کنار دیگر قطعاتی که در حوزه عشق و مسائل اجتماعی ساخته شده‌اند، لذت‌انگیزه فعالیت هنری را برای ما دوچندان کرده‌اند. به عقیده من، در تولید آثار ملی و میهنی یک‌سری عوامل و فاکتورهای اساسی لازم است؛ مانند آنچه که در برخی آثار فاخر و ماندگار ایران می‌بینیم؛ آثاری که مانند میراث باستانی شهرهای تاریخی در حافظه جمعی ما ثبت شده‌اند. ما نیز در تولید این دو قطعه تلاش کردیم بیش از هر چیز به اسطوره‌های ملی و میهنی کشورمان پرزوریم و در این مسیر، از نام و روایت افرادی که در شاهنامه و نبردهای ملی به آنها اشاره شده، بهره گرفتیم تا بتوانیم حس تعلق و عرق یک ایرانی نسبت به وطن و خاک را که همواره برای ما مقدس بوده و هست، به تصویر بکشیم.

چنانکه پیش‌تر اشاره شد، در دوران جنگ آثار متعددی، چه به صورت خودجوش و پرخاسته از احساسات فردی و چه به صورت سفارشی، تولید و منتشر شد که با استقبال قابل توجهی از سوی مخاطبان همراه بود. با این حال، در این میان برخی از هنرمندان مانند محسن چاوشی با انتشار آثاری با واکنش‌های متفاوتی از سوی بخشی از مخاطبان مواجه شدند. ارزیابی شما از این موضوع چیست؟

من بر این باورم که یک هنرمند، اگر قلباً کاری را دوست نداشته باشد، آن را انجام نمی‌دهد. از دور خدمت و با اطمینان می‌گویم که آکنش را از صمیم قلب خلق می‌کند. پیش‌تر هم اشاره کرده‌ام که وقتی پای خاک و وطن به میان می‌آید، بسیاری از ملاحظات کنار گذاشته می‌شود. وطن، برای هر انسان با هر دیدگاه، تفکر و پوششی، نماد مادر است و هرگز نمی‌توان به آن پشت کرد یا آن را به دیگری سپرد. جای تأسف دارد که بگویم برخی از دوستان از بهمان‌ان کشورشان ابراز خوشحالی می‌کنند. بی‌تردید،

جامعه تبدیل شدند. در واقع موسیقی در آن روزها تنها یک هنر نبود؛ زبان مشترک مردم برای بیان عشق به وطن و روحیه مقاومت بود. مانند آنچه در روزهای ابتدایی انقلاب یا هشت سال جنگ تحمیلی شاهد بودیم. مصطفی راغب از خوانندگان نام‌آشای موسیقی پاپ نیز از جمله هنرمندانی بود که در این ایام با تولید آثار هنری و فعالیت در فضای مجازی بار دیگر همراهی و همدلی خود و در کنار مردم بودن را با زبان هنر بیان کرد.

راغب در این گفت‌وگو درباره جایگاه موسیقی ملی و میهنی در جامعه و اثرگذاری آن در پرانگیختن حس غرور، امید و هویت مشترک در مخاطب سخن گفته است که در ادامه می‌خوانید.

سوق می‌دهد. مسأله دوم، دیدگاه و نگرشی است که هر هنرمند نسبت به کشور و حتی پدیده‌های مانند جنگ دارد. طبیعی است که دیدگاه‌ها، سلیقه‌ها و حتی استراتژی‌های افراد، حتی در یک محیط مشترک مانند خانواده، می‌تواند متفاوت باشد، اما زمانی که موضوع حفظ تمامیت ارضی و دفاع از خاک وطن مطرح می‌شود، این مسأله ماهیتی متفاوت پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، هنرمند همچون هر فرد دیگری با نگاهی عمیق‌تر به مفهوم وطن‌دوستی می‌نگرد و می‌تواند این احساس را از طریق زبان هنر به مخاطب منتقل کند و در اینجاست که رسالت هنرمند اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ اینکه آیا اثری که تولید می‌شود، برخاسته از باور و احساس قلبی است یا صرفاً یک کار سفارشی بوده. چراکه درسال‌های اخیر، هنر به گونه‌ای ناگزیر با مسأله اقتصاد و درآمدزایی گره خورده و مشکلات اقتصادی نیز در شکل‌گیری این روند بی‌تأثیر نبوده است. با این حال، مسئولیت هنرمند بسیار سنگین است زیرا می‌تواند از طریق کلام و اثر هنری، حتی بر ذهن و نگرش افرادی که شاید تعلق خاطر کمتری به وطن دارند نیز تأثیر بگذارد و نگاه آنها را تغییر دهد.

تأثیرگذاری فضای مجازی تا چه اندازه بر مسیر تولید آثار هنری خوانندگان اثر گذاشته و این تأثیرات در چه جنبه‌هایی بیشتر قابل مشاهده است؟

دوست هنرمندی می‌گفت: «فضای مجازی کوچک‌ترها را بزرگ کرد و بزرگ‌ترها را کوچک». منظور این بود که بسیاری از هنرمندان فریخته و استاد در حوزه‌هایی چون سینما، موسیقی و تئاتر، به حاشیه رانده شدند و در مقابل، افرادی در فضای مجازی مطرح شدند که متأسفانه دانش و تخصص فردانی در این زمینه‌ها نداشتند. این مسأله، یکی از معضلات جدی امروز ماست.

من شخصاً هیچ‌گاه به نسبت به کاری که انجام می‌دهم دچار تردید نشدم؛ حتی زمانی که ممکن بود به قیمت از دست دادن بخشی از مخاطبان یا لوئرهای تمام‌شود و طی این سال‌ها بارها وارد این چالش‌ها می‌شدم. البته مسیر آسانی نبود و سختی‌های زیادی را پشت سر گذاشتم، اما در عین حال سعی کردم خود واقعی‌ام باشم و تحت تأثیر حرف‌ها یا توهین‌ها قرار نگیرم. امروز هم در این شرایط خاص می‌بینم که برخی به دنبال دو قطبی‌سازی و ایجاد اختلافاتی هستند، در حالی که اکنون مسأله، مسأله خاک و سرزمین است. این زمان، وقت دامن زدن به اختلاف‌ها نیست.

شاید یکی از دلایل مخالفت مخاطبان این باشد که آنها انتظار دارند هنرمند مورد علاقه اش مطابق با سلیقه و نظر هنرمند باشد. مخاطب منتقد به دنبال خلق اثر برود. نظر شما در این باره چیست؟

در این باره حرف بسیار است. به عقیده من باید به هنرمندان اجازه داد در

اما وقتی از نزدیک دیدم، فهمیدم مردم حقیقی همین‌ها هستند. در آن تجمعات، کارگر، پزشک، مهندس، هنرمند و اقشار مختلف جامعه حضور داشتند و من طعم واقعی زندگی و همدلی را همان‌جا دیدم. در مقابل، برخی رسانه‌های بیگانه با توهین و تحریف، روایت دلخواه خودشان را ارائه می‌دهند. من معتقدم هر کسی که در این روزها کنار مردم و کشورش ایستاده، ایران را دوست داشته است؛ حتی آن غریبه‌هایی که در کشورهای دیگر کنار نام ایران ایستادند و شعار دادند. از نگاه من، مردمی بودن یعنی داشتن نگاهی مسالمت‌آمیز و انسانی. نکته دیگر اینکه درغم از دست دادن عزیزانم هم همیشه توقعاتی وجود دارد. اما سؤال من این است که چرا برخی از همین افراد، کشته شدن دانش‌آموزان مدرسه شجره‌میناب را ندیدند؟ مگر آن عزیزان جزئی از همین مردم نبودند؟! انتظار داشتم در غم آن خانواده‌ها هم شریک باشند و عزاداری کنند، اما چنین چیزی را ندیدم و همان‌جا بود که برای من مرز میان انصاف و بی‌انصافی مشخص شد.

اگر کسی ادعای مردمی بودن دارد، باید ثابت کند که مردم برای او یعنی همه مردم، نه فقط یک قشر یا گروه خاص. البته تکلیف کسانی که با خاک و هویت این سرزمین دشمنی دارند، جداست. ایران کشوری ریشه‌دار و باصالت بوده و هست و با توهین و ناسزا نمی‌توان مردم این سرزمین را تغییر داد. نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده که برخی افراد، اصالت ایرانی بودن خود را فراموش کرده‌اند؛ هرچند من ریشه این اتفاقات را از نوع تفکر و میزان آگاهی آنها می‌دانم.

مردم نباید تصور کنند که آنها به لحاظ مالی همیشه از جایی حمایت می‌شوند یا پشتشان گرم است. در حالی که هنرمندان برای امراض معاش نیاز به فعالیت دارند و فعالیت‌شان را به خصوص در زمینه اقتصادی با چالش مواجه خواهند کرد.

هر انسانی مدتی عزادار است، اما دامنه‌دادن بی‌پایان این وضعیت، گاهی بهانه‌ای برای مسائل دیگر می‌شود. متأسفانه بعضی‌ها فقط به دنبال تکمیل نگاه خود هستند؛ اینکه «هرچه من می‌گویم، تو هم باید همان را بگویی». این نگاه، نوعی خودخواهی است و در هنر نباید چنین دوگانگی و اجبار فکری وجود داشته باشد. چرا یک فرد حق دارد مغزهایش را باز کند و به کسب‌وکارش برسد، اما هنرمندی که شغش موسیقی است، نباید فعالیت کند؟ متأسفانه برخی دوستان در این مسائل احساسی برخورد می‌کنند. من اگر شرایط فراهم باشد، کنسرت برگزار می‌کنم، چون معتقدم به اندازه کافی همدردی کرده‌ایم.

شما از جمله هنرمندانی هستید که هم در عرصه موسیقی پاپ فعالیت می‌کنید، هم در ایام محرم و صفر به مداحی

به این موضوع باید از چند زاویه نگاه کرد و پیش از هر چیز باید دید هدف خواننده یا تیم تولید چیست. برای مثال، در دوران جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس، بسیاری از خوانندگان در کنار روزمندان آثار حماسی می‌کردند و در جهت تقویت روحیه آن‌ها، آثار حماسی و ملی-میهنی اجرا می‌کردند که تأثیر قابل توجهی داشت. در واقع، در بحث دفاع از وطن، دیدگاه‌ها می‌تواند متفاوت باشد. در همین رویدادهای اخیر نیز بسیاری از مداحان در تجمعات مردمی، آثار حماسی و انقلابی اجرا کردند که به نظر من، برخی از این ملودی‌ها از کیفیت بالایی برخوردار بودند. مداحان در چهارچوب حوزه کاری خود و بر اساس ایدئولوژی و تفکراتشان، از اشعاری استفاده می‌کنند که همسو با باورهایشان است و همه این رویدادها قابل احترام است.

بر این اساس، انتخاب مسیر برعهده هنرمند است؛ اینکه اثری صرفاً بر پایه وطن‌دوستی شکل بگیرد یا در آن به مسائل سیاسی نیز پرداخته شود تا حد زیادی سلیقه‌ای است، اما مهم آن است که اثر دچار اغراق و شعارزدگی نشود. من برای هر فضای مجازی را طوری تصویر کرده‌اند که انگار این مردم، واقعی نیستند؛

می‌پردازید و هم آثار ملی، میهنی و حماسی اجرا کرده‌اید. به نظر شما میان «عشق زمینی»، «سوگواری‌های آیینی» و «آثار حماسی و میهنی» چه پیوند و نسبتی وجود دارد؟

به اعتقاد من، ریشه همه اینها در «احساس» است؛ احساسی که گاهی در شادی و عشق نمود پیدا می‌کند، گاهی در غم و سوگواری و گاهی در معنویت و حماسه. من هیچ‌کدام از این حوزه‌ها را جدا از هم نمی‌دانم، چون همه آنها در نهایت از یک سرچشمه می‌آیند و آن، هنر و احساس انسانی است.

همان‌طور که می‌گوییم موسیقی، موسیقی است؛ حتی اگر در قالب تلاوت قرآن یا اذان جلوه کند، باز هم بر پایه نغمه و آوا شکل گرفته است. در نمونه‌هایی که اشاره کردید نیز اصل موسیقی تغییر نمی‌کند، بلکه آنچه تفاوت ایجاد می‌کند، محتوا و مضمون اثر است.

به نظر شما برای از سرگیری دوباره کنسرت‌ها چه شرایط و راهکارهایی لازم است تا هم هنرمندان بتوانند فعالیت کنند و هم مخاطبان با آرامش بیشتری از موسیقی و اجراهای زنده استقبال کنند؟

به نظر من، در همین تجمعات شبانه‌ای که در میدان‌ها برگزار می‌شود و مداحان در آن حضور دارند، چه بهتر که با حمایت شهرداری یا نهادهای دولتی، امکان برگزاری کنسرت‌های خیابانی برای موزیسین‌ها نیز فراهم شود. موسیقی می‌تواند در چنین فضاهایی به همدلی، آرامش و ایجاد حال خوب در میان مردم کمک کند. به گمانم بهتر است بخشی از نگرانی‌ها را کنار بگذاریم و هرکدام به فعالیت و مسئولیت خود ادامه دهیم.

انسان دوستی و عشق به وطن ارزشمند است و زیبایی، اما در بعضی مواقع نیز باید از کنار توهین‌ها و ناسزاها عبور کرد و اجازه نداد این حواشی مانع ادامه مسیر و انجام کار شود.

در روزهای جنگ تحمیلی، از دست دادن زنده‌یاد حمید میراد جامعه هنر و موسیقی را متأثر کرد. شما در سال‌های اخیر همکاری‌های مشترکی با ایشان داشتید. این همکاری‌ها چگونه شکل گرفت و مهم‌ترین وجوه اشتراک شما در کار و نگاه هنری چه بود؟

حمید جان انسانی بسیار شریف، دوست‌داشتنی و بااخلاق بود؛ و این فقط یک تعریف به خاطر همکاری مشترکمان نیست. هر کسی برای اولین بار او را ملاقات می‌کرد، حس بسیار خوبی از او می‌گرفت. او با وجود بیماری، همیشه تلاش می‌کرد انرژی مثبت خود را حفظ کند و حتی اگر پیش از اجرا در بیمارستان بود، سعی داشت روی صحنه با حال خوب حاضر شود و همان حس را به مخاطبانش منتقل کند.

پس من این افتخار را داشتم که حدود ۴ تا ۵ قطعه به صورت مشترک با حمید جان اجرا کنم و همیشه از او محبت و

لطف مردم نسبت به این همکاری‌ها بهره‌مند بودیم. بسیاری از افراد شیفته اخلاق و منش او بودند. به نظر من، چنین انسان‌هایی به امور فانی دل‌بستگی زیادی ندارند؛ زود می‌بخشند و دل بسیار بزرگی دارند و حمید قلب بزرگی داشت. خیف که به تعبیر تقدیر، زندگی او تا همین‌جا رقم خورده بود. با این حال، اگرچه به لحاظ فیزیکی دیگر در میان ما نیست، اما یاد و خاطره‌اش همیشه در قلب‌ها و ذهن‌ها زنده خواهد ماند. بسیاری از مردم با آثار او، معنای عشق واقعی، عشق به خدا و انسانیت را بهتر درک کردند. جالب اینجاست که روحیات من و حمید جان بسیار به هم نزدیک بود؛ تنها تفاوت‌هایی در کاراکتر داشتیم. حمید روحیه شوخ‌طبع‌تری داشت و همین ویژگی او را برای همه دلنشین‌تری می‌کرد، اما از نظر تفکر، احساس و معنویت، بسیار به هم نزدیک بودیم.

من سال‌ها در حوزه موسیقی سنتی فعالیت کرده‌ام و بعد‌ها وارد فضای پاپ و فیوژن شدم. حمید جان نیز در گذشته تجربه‌هایی در موسیقی کلاسیک ایرانی داشت و از این جهت، نگاه‌ها و سلیقه‌های ما به هم نزدیک بود. نکته مهم دیگر این بود که هر دو زیر نظر مجموعه آوازی نو فعالیت می‌کردیم و همین موضوع باعث شد ارتباط کاری و هنری ما شکل جدی‌تری پیدا کند. در نتیجه احساس کردیم مشترک تولید کنیم؛ آثاری که ترکیب صداهایمان در آنها بتواند یک هویت و شخصیت مشخص در ذهن مخاطب ایجاد کند. به اعتقاد من، تجربه بسیار خوبی بود و از آن همکاری‌های به یادماندنی به‌شمار می‌آید.

به عنوان سؤال پایانی، می‌توانیم بپرسیم: آیا در فکر انتشار آلبوم جدید، برگزاری کنسرت یا حتی اجرای کنسرت‌های خیابانی هستید؟

به زودی رونمایی از آلبوم «فریاد» را خواهیم داشت. در این آلبوم، هنرمندان خوشنام و ارزشمندی در کنار من حضور دارند که به با افتخار همکاری داده‌اند؛ از جمله شاعران و نوازندگان درجه یک. ما در این اثر تلاش کرده‌ایم سلیقه‌های مختلف را در نظر بگیریم و در انتخاب اشعار نیز وسواس زیادی به خرج داده‌ایم. احساس می‌کنم مخاطبان با آلبومی متفاوت روبه‌رو خواهند شد و امیدوارم شرایطی فراهم شود تا بتوانم این اثر را با افتخار به مردم تقدیم کنم. در بخش اجراهای صحنه‌ای نیز امیدوارم پیش از ایام محرم و صفر بتوانیم کنسرت‌هایی را برگزار کنیم. به اعتقاد من، نباید هنر را از مردم دریغ کرد و باید در چهارچوب قوانین موجود، برنامه‌هایی برای مخاطبان اجرا شود.

در خصوص کنسرت‌های خیابانی نیز صددرصد موافق هستم و حتی برای برگزاری آن اعلام آمادگی کرده‌ام؛ چرا که مردم به حال خوب و انرژی مثبت نیاز دارند. امیدوارم روزهای خوبی پیش‌روی کشور و مردم عزیزمان باشد.

می‌کند احترام قائلم و معتقدم که در نهایت، ریشه همه این تلاش‌ها عشق به وطن است. در عین حال، این اتفاقات می‌تواند فرصتی باشد تا یاد بگیریم انسان‌ها باید در یک سرزمین کنار هم و به صورت مسالمت‌آمیز زندگی کنند و با خلق آثار هنری بپردازند. نکته دیگر اینکه همه ما از «انسانیت» سخن می‌گوییم، اما در عمل گاهی به آن پایبند نیستیم؛ شاید یکی از دلایل این فاصله، کمبود آگاهی باشد. نگاهی به سرانه مطالعه در جامعه نیز این مسأله را تا حدی روشن می‌کند. به نظر من، بخشی از این چالش‌ها به فضای مجازی هم بازمی‌گردد؛ فضایی که گاه باعث می‌شود افراد کمتر به دنبال تحقیق و کشف حقیقت باشند. هدف من دفاع از جریان یا نگاه خاصی نیست، بلکه تأکید دارم هر مطلبی را که می‌شنویم، ابتدا درباره آن تحقیق کنیم و سپس آن را به اشتراک بگذاریم. متأسفانه امروز روندی شکل گرفته که با انتشار یک پست یا استوری، بسیاری بدون بررسی آن را بازنشر می‌کنند و این چرخه به صورت زنجیروار ادامه پیدا می‌کند؛ مسیری که می‌تواند به گسترش خطا و سوءبرداشت منجر شود.



ایران کشوری ریشه‌دار و باصالت بوده و هست و با توهین و ناسزا نمی‌توان مردم این سرزمین را تغییر داد. در این ایام با تولید آثار هنری و فعالیت در فضای مجازی بار دیگر همراهی و همدلی خود و در کنار مردم بودن را با زبان هنر بیان کرد.

راغب در این گفت‌وگو درباره جایگاه موسیقی ملی و میهنی در جامعه و اثرگذاری آن در پرانگیختن حس غرور، امید و هویت مشترک در مخاطب سخن گفته است که در ادامه می‌خوانید.

سوق می‌دهد. مسأله دوم، دیدگاه و نگرشی است که هر هنرمند نسبت به کشور و حتی پدیده‌های مانند جنگ دارد. طبیعی است که دیدگاه‌ها، سلیقه‌ها و حتی استراتژی‌های افراد، حتی در یک محیط مشترک مانند خانواده، می‌تواند متفاوت باشد، اما زمانی که موضوع حفظ تمامیت ارضی و دفاع از خاک وطن مطرح می‌شود، این مسأله ماهیتی متفاوت پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، هنرمند همچون هر فرد دیگری با نگاهی عمیق‌تر به مفهوم وطن‌دوستی می‌نگرد و می‌تواند این احساس را از طریق زبان هنر به مخاطب منتقل کند و در اینجاست که رسالت هنرمند اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ اینکه آیا اثری که تولید می‌شود، برخاسته از باور و احساس قلبی است یا صرفاً یک کار سفارشی بوده. چراکه درسال‌های اخیر، هنر به گونه‌ای ناگزیر با مسأله اقتصاد و درآمدزایی گره خورده و مشکلات اقتصادی نیز در شکل‌گیری این روند بی‌تأثیر نبوده است. با این حال، مسیر فعالیت هنری را برای ما دوچندان کرده‌اند. به عقیده من، در تولید آثار ملی و میهنی یک‌سری عوامل و فاکتورهای اساسی لازم است؛ مانند آنچه که در برخی آثار فاخر و ماندگار ایران می‌بینیم؛ آثاری که مانند میراث باستانی شهرهای تاریخی در حافظه جمعی ما ثبت شده‌اند. ما نیز در تولید این دو قطعه تلاش کردیم بیش از هر چیز به اسطوره‌های ملی و میهنی کشورمان پرزوریم و در این مسیر، از نام و روایت افرادی که در شاهنامه و نبردهای ملی به آنها اشاره شده، بهره گرفتیم تا بتوانیم حس تعلق و عرق یک ایرانی نسبت به وطن و خاک را که همواره برای ما مقدس بوده و هست، به تصویر بکشیم.

چنانکه پیش‌تر اشاره شد، در دوران جنگ آثار متعددی، چه به صورت خودجوش و پرخاسته از احساسات فردی و چه به صورت سفارشی، تولید و منتشر شد که با استقبال قابل توجهی از سوی مخاطبان همراه بود. با این حال، در این میان برخی از هنرمندان مانند محسن چاوشی با انتشار آثاری با واکنش‌های متفاوتی از سوی بخشی از مخاطبان مواجه شدند. ارزیابی شما از این موضوع چیست؟

من بر این باورم که یک هنرمند، اگر قلباً کاری را دوست نداشته باشد، آن را انجام نمی‌دهد. از دور خدمت و با اطمینان می‌گویم که آکنش را از صمیم قلب خلق می‌کند. پیش‌تر هم اشاره کرده‌ام که وقتی پای خاک و وطن به میان می‌آید، بسیاری از ملاحظات کنار گذاشته می‌شود. وطن، برای هر انسان با هر دیدگاه، تفکر و پوششی، نماد مادر است و هرگز نمی‌توان به آن پشت کرد یا آن را به دیگری سپرد. جای تأسف دارد که بگویم برخی از دوستان از بهمان‌ان کشورشان ابراز خوشحالی می‌کنند. بی‌تردید،